

## رنالیسم و شایستگی آن برای فیلم\*

جمشید ارجمند

تا جایی که این قلم آگاهی دارد متون نظری جدی در زمینه سینما در پیکره ادبیات سینمایی ما اندک است، و از آن اندکتر، متون تألیفی است. منکر نمی‌توان شد که در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیار بویژه در زمینه ترجمه آثار نظری (و عملی) سینما صورت گرفته ولی در بسیاری از این آثار انگیزه شور و عشق به سینما و شتاب در چاپ اثر بیش از تعهد و دقت و وسواس و نظم و روشمندی به چشم می‌خورد حال آنکه در شرایط فرهنگی موجود که سینمای ما جهش‌های چشمگیری از خود نشان داده و به اعتبار و آبروی جهانی دست یافته است ضرورت وجود منابع غنی و درخور اتکا بویژه در حوزه نظری سینما بیش از همیشه احساس می‌شود. البته منصفانه بگویم که در شرایط اقتصادی - اجتماعی حاضر و بحرانی که در کار نشر وجود دارد (و کمبود تیراژ یکی از عوامل آن است) نمی‌توان از کنار گود شعار داد و منتظر پیدایی آثار سینمایی در کتابخانه‌ها بود.

باری، در چنین شرایطی تجدید چاپ کتاب نامدار و مهم *واقعیت‌گرایی فیلم* نوشته زنده‌یاد فریدون رهنما رویداد درخور اعتنائی شمرده می‌شود.

فریدون رهنما از تبار روشنفکران برآمده در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بود که به سنت آن دوران فرخنده فکری و فرهنگی، فرماسیون فرانسوی داشت. در سنت جامعه بعد از جنگ دوم فرانسه، سینماگران و سینماخواندگان، علم جریان روشنفکری را بیشتر از بقیه به دوش می‌کشیدند. البته اهل ادب و فلسفه پیشینه درازتری در این جریان دارند، اما شاید فزونی شمار سینماشناسان فرانسوی، بعد از جنگ دوم، یعنی از دهه ۵۰ [میلادی] به بعد، مسئولیت آنها را در جریان روشنفکری بیشتر کرده باشد. باری، در ایران دهه‌های ۳۰ و ۴۰ نیز چنین روندی دیده شد و فریدون رهنما از پیشگامان آن بود. رهنما با توشه سنگینی از علم و اندیشه به ایران بازگشت و بی‌توقع و سر و صدا شروع به کار کرد. رهنما اعتقاد داشت که برآستی یک هنرمند مسئولیت بسیار مهمی دارد. در این باره کمابیش کاری به عهده اوست که با در نظر گرفتن شکل‌های اجتماعی گذشته مردان خدا داشته‌اند، یعنی کسانی که کمتر زندانی ریاضیات جاه و

---

\* رنالیسم و شایستگی آن برای فیلم، جمشید ارجمند/ نقد و بررسی کتاب فرزنان، آبان ۱۳۸۲.

مقام و توانگری بوده‌اند... مهم آن است که هنرمند حرمت کار خود را نگاه دارد، نگران این حرمت باشد...» و خود او براستی این حرمت را نگاه داشت.

رهنما خیلی زود روی در نقاب خاک کشید. فقط ۴۵ سال زندگی کرد. اما در همین عمر به نسبت کوتاه، کارنامه سنگینی از خود به جا گذاشت که بی‌گمان او را در جایگاه تأثیرگذارترین اندیشه‌مندان سینمایی قرار داده است. رهنما داشت مکتبی در نظر و عمل ایجاد می‌کرد. حتی می‌توان گفت که با انتشار کتاب *واقعیت‌گرایی فیلم* (که تز دکترای او بود)، مقدماتی چند در نقد و تحلیل شعر شاعران بزرگ زمان مثل نیما و اخوان و شاملو و سپهری (که هر یک شاهد قدرت تحلیل ذهنی و ظرافت و نازک‌اندیشی شاعرانه اوست)، نوشتارهایی در طرح مسائل نظری سینما که بیشتر بر محور رئالیسم شاعرانه او قرار داشت، و نیز مقاله‌هایی به زبان فرانسوی، و چند فیلم کوتاه و بلند، که یکایک آنها مورد تقدیر فستیوال‌ها و مجامع سینمایی روشنفکرانه جهان واقع شد (فیلم کوتاه *تخت جمشید*، فیلم بلند *سیاوش در تخت جمشید* و *پسر ایران از مادرش بی‌اطلاع است*، و چاپ ۴ دفتر شعر در فرانسه)، مسئولیت روشنفکرانه هنرمند را که آن قدر بدان پایبند و معتقد بود، به جا آورد. جنس اندیشه رهنما، چنانکه آشکارا در *واقعیت‌گرایی فیلم* دیده می‌شود، روشنفکرانه بود و طبعاً مخاطبانش نیز روشنفکران بودند؛ علت اینکه با گذشت زمان اندیشه و مکتب رهنما و آموزه‌های او از حوزه‌ای محدود فراتر نرفت نیز همین نخبه‌گرایی و سطح روشنفکرانه و والای آثار او بود. نگاه کنیم به اینکه داوران محصول ذهن و اندیشه رهنما، یعنی تز دکترای او، فرانکاستل و لئون موسیناک، دو نظریه‌پرداز بزرگ سینمای فرانسه بودند. رهنما در مکتب چنین مردانی شکل گرفته بود و در نتیجه، در سخنگویی با هرم جامعه، گفتارش را از رأس هرم آغاز کرد به امید آنکه روشنفکران در جاده‌ای که بر زیرسازی رئالیسم قرار داشت پای بگذارند و توده را رهبری و راهنمایی کنند. این نظر و اعتقاد را که خاستگاه ویژه‌ای دارد نه می‌توان یکجا رد کرد، و نه رویدادهای اجتماعی دنیا حکایت از پیروزی و کامران شدن آن دارد. پس شاید بتوان چنین پنداشت که متفکر روشنفکر بهتر است بسیار فراتر از هنجارهای زمانه خود بیندیشد و بنویسد و بسازد.

باری، فریدون رهنما، اندیشه‌مند شعر و سینما، با اعتقادی پایدار و استوار به رئالیسم، در این اثر کوشیده است با زبانی بسیار روان (و البته با واژگانی غالباً فارسی شده در مورد برابری اصطلاحات خارجی) راه واقعیت‌گرایی در سینما را بر اساس روشی منظم و علمی بنمایاند و آن را در برابر سینماگران یا منتقدان قرار دهد. دانش او در زمینه فلسفه و روانشناسی در تنظیم و ترتیب این اثر معتبر بسیار پا در میان بوده است (بویژه نگاه کنیم به سرآغاز کتاب که به طرح دشواری این بررسی و تنوع فراوان مکتب‌ها و دریافت‌های واقعیت‌گرایی (رئالیسم) می‌پردازد و بیان می‌کند که درجه رخنه «نامن» در «من»، معیار هر مفهوم واقعیت‌گرایی است).

رهنما در این اثر، بر آن است که سینما هنر راستین و توانای زمان است و، در اثبات این مفهوم، سینما را با هنرهای نقاشی و پیکرتراشی و معماری و موسیقی و رقص و تئاتر و ادبیات (به معنی داستان‌نویسی) مقایسه می‌کند و در این مقایسه دقتی تحسین‌انگیز به خرج می‌دهد تا آنجا که به کتاب

*واقعیت‌گرایی فیلم* ارزشی آکادمیک می‌بخشد. سپس، رهنما به حیطة اصلی گفتار خود، یعنی ارزش و راه رئالیسم وارد می‌شود و با بررسی آثار کلاسیک سینما، صور سینما، بویژه مکتب‌های واقعیت‌گرایی سینمای دانمارک، ایتالیا، امریکا، آلمان، فرانسه، شوروی، و سپس نئورئالیسم (نو واقعیت‌گرایی) ایتالیا و سینمای نوین ژاپن و ظرفیت‌ها و ضرورت‌های رئالیسم را می‌نمایاند.

رهنما، آنگاه، با مهارت و سلطه‌ای کم‌نظیر، امکانات عملی و توانایی فنی ویژه فیلم را در ساختار واقعیت‌گرایی بیان می‌کند و به ارزش و اثر نور، ترکیب نوار تصویر و صدا، و قدرت و ظرفیت‌های دوربین فیلمبرداری می‌پردازد.

البته رهنما، در پایان، خردمندانه بیان می‌کند که واقعیت مطلق در کار نیست؛ واقعیت تغییرپذیر است و گوناگون، واقعیت متکثر است نه واحد؛ و سرانجام: واقعیت در خود فیلم است، به دلیل خود فیلم. کتاب *واقعیت‌گرایی فیلم* یکی از روشمندترین کتاب‌های تاریخ نشر ایران است. تصویرهای متعدد و بسیار مرتبط با موضوع، چه تصویرهای فیلمی و چه مربوط به هنرهای دیگر، با دقتی کم‌نظیر انتخاب و در متن نشانده شده‌اند و فهرست آنها نیز در پایان کتاب آمده است. نمایه‌ای جامع، به اضافه واژه‌نامه لاتین - فارسی (که کاش نوشته شده بود خارجی - فارسی؛ کمتر کسی توجه دارد که لاتین یا لاتینی نام یک زبان است)، فهرست منابع و مأخذ مفصل فرانسوی، به اضافه مقدمه یا مؤخره‌ای به فرانسوی با امضای بانو فریده رهنما، خواهر زنده‌یاد فریدون، از ملحقات مفید کتاب است. ای کاش بانو رهنما ترجمه فارسی این مؤخره را هم در آغاز کتاب می‌آوردند چون دارای اطلاعاتی است که جالب و سودمند است، از جمله سال چاپ و انتشار نخست این کتاب (۱۳۵۱ = ۱۹۷۲) که در بخش فارسی به چشم نمی‌خورد. چند سطری که در آغاز کتاب به معرفی رهنما و آثار او پرداخته شده ناپسند است.

انتشار چاپ دوم کتاب *واقعیت‌گرایی فیلم*، برای سینمادوستان و پژوهشگرانی که سینما را جدی‌تر می‌نگرند، فرصتی و مؤده‌ای است. باید از بانو رهنما که این فرصت را علاقه‌مندان ایجاد کرده است سپاسگزار بود.

